

دکتر حسین اسکندری*

زهرا شکرایی**

بررسی و مقایسه‌ی پایگاه‌های هویت در میان دختران و پسران دانش‌جو

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی،

دانشگاه علامه طباطبایی

e_eskandari@yahoo.com

** کارشناس ارشد روان‌شناسی

چکیده

موضوع هویت، از مهم‌ترین مسائل مربوط به زنده‌گی انسان است. نخستین بار، این مسئله توسط اریکسون مورد توجه قرار گرفت. مارشیا پایگاه‌های هویتی را مطرح کرد و پس از آن تلاش‌های محققان به ایجاد ابزاری تازه برای بررسی پایگاه‌های هویتی منجر شد. پژوهش حاضر، به بررسی و مقایسه‌ی دانش‌جویان زن و مرد از نظر قرارگیری در پایگاه‌های هویتی می‌پردازد.

روش مطالعه، روش علی-مقایسه‌ئی، و جامعه‌ی مورد پژوهش، همه‌ی دانش‌جویان دانشگاه‌های وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی در شهر تهران است. نمونه‌ی انتخابی، ۵۰۰ نفر از دانش‌جویان مقطع کارشناسی است، که از میان ۵ دانشگاه انتخابی، بر اساس آمار پذیرفته‌شده‌گان سال تحصیلی ۷۸-۷۷، با در نظر گرفتن نسبت دانش‌جویان دختر و پسر و ظرفیت پذیرش هر دانشگاه، دربرگیرنده‌ی ۱۵۸ مرد و ۲۴۷ زن است.

ابزار پژوهش، پرسش‌نامه‌ی سنجش علی منزلت هویت من (EOM-ELS2) است که در مورد دانش‌جویان ایرانی اجرا شده و ضریب اعتبار آن به دست آمده‌است. علاوه بر شاخص‌های آمار توصیفی مربوط به جنس، سن، رشته‌ی تحصیلی، دانشگاه، و محل دیپلم گرفتن، برای آزمون فرضیه‌های مربوط به رابطه‌ی جنسیت و سن با پایگاه‌های هویتی، آزمون مجذور کای دوطرفه در سطح ۵ به کار گرفته‌شد. برای آزمون فرضیه‌های مربوط به تفاوت و انواع هویت در هر یک از گروه‌های دختران و پسران به‌تنهایی، از آزمون مجذور کای یک‌طرفه استفاده شد.

تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده، میان جنسیت و انواع هویت، تفاوتی معنادار نشان نداد و فرضیات مبنی بر وجود اختلاف میان دختران و پسران، تأیید نشد. متغیرهای رشته‌ی تحصیلی، محل تحصیل و محل دیپلم گرفتن نیز، با انواع هویت، رابطه‌ئی معنادار نداشت. فرضیه‌ی مربوط به وجود رابطه میان سن و قرارگیری در منزلت‌های هویتی، تنها در حیطةی منزلت‌های هویتی درون‌فردی تأیید شد. افزون بر این، در مقطع سنی ۲۵ تا ۳۰، بیش‌ترین میزان هویت‌یافته‌گی نسبت به دو گروه دیگر وجود داشت.

میان هر یک از گروه‌های دختران و پسران، به‌تنهایی، تفاوت میان انواع هویت معنادار است. نکته‌ی مهم در هر دو گروه، بالا بودن درصد بحران‌زده‌گی در برابر سایر منزلت‌ها است. میزان هویت‌یافته‌گی نیز از درصد بالایی برخوردار نیست. در میان گروه مردان، میزان دنباله‌روی از دیگر هویت‌ها کم‌تر بود.

کلیدواژه‌ها

زنان؛ هویت؛ منزلت هویتی؛ سردرگمی؛ تبعیت‌جو؛ منزلت هویت بحران‌زده؛ منزلت هویت‌یافته؛

مقدمه

فرآیند کسب هویت که از دوران نوجوانی به طور مشخص نمود پیدا می‌کند، توجه بسیاری از محققان را به خود معطوف داشته‌است. از نظر اریکسون (۱۹۶۸) آنچه هویت من نامیده می‌شود، آن جنبه از من است که پس از ایجاد بحران روانی-اجتماعی گذار از کودکی به بزرگسالی به بررسی، انتخاب و وحدت بخشیدن به تصاویر خود، با توجه به فضای عقیدتی خاص دوره‌ی جوانی می‌پردازد (رحیمی نژاد، ۱۳۷۹).

بیشترین کوشش‌های انجام‌شده برای نتیجه‌گیری، توسعه و اعتبار تجربی مفهوم هویت من/اریکسون مربوط به حالات هویت است که توسط جیمز مارشیا (۱۹۶۶-۱۹۸۰) عنوان شده‌است.

مارشیا (۱۹۶۶)، بر پایه‌ی نظریه‌ی اریکسون، تحول هویت را بررسی و چهار منزلت هویتی مشخص کرده‌است: در بالاترین و پایین‌ترین سطح تحول، منزلت‌های «هویت‌یافته‌گی من» و «سردرگمی هویت»، و در میان این دو، منزلت‌های «دنباله‌روی» و «بحران‌زده‌گی» قرار دارد. این چهار حالت هویتی، مورد اعتبار تجربی، و در جایگاه‌های متنوع فرهنگی، رشد قبلی، ویژه‌گی‌های شخصیتی، سبک روابط بین‌فردی و سیر رشد، مورد بررسی قرار گرفته‌است (مارشیا، ۱۹۸۰). مصاحبه، روشی بود که مارشیا برای بررسی منزلت‌های هویتی در افراد استفاده می‌کرد. پس از آن، تلاش‌هایی برای سنجش عینی هویت من انجام شد که توسط آدامز و هم‌کارانش از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹، در پایان به تنظیم پرسش‌نامه‌ئی برای سنجش هویت من در دو حوزه‌ی مختلف انجامید.

حوزه‌ی نخست، هویت عقیدتی، شامل موضع‌گیری فرد در انتخاب شغل، فلسفه‌ی زنده‌گی، مذهب و امور سیاسی است. حوزه‌ی دوم، هویت بین‌شخصی است و به تنظیم رابطه‌ی فرد با دیگران در انتخاب دوست، تنظیم رفتار در برابر جنس مخالف، تصریح نقش همسری و انتخاب تفریحات توسط فرد را در بر می‌گیرد (آدامز و هم‌کاران، ۱۹۸۹).

بررسی تحول هویت من در دوران دانش‌جویی توسط واترمن و واترمن (۱۹۷۱)، واترمن (۱۹۷۴)، لووینگر و هم‌کاران (۱۹۸۵) بیان‌گر این مسئله است که بحران هویت در خلال دوران نوجوانی پایان نیافته و در دوران دانش‌جویی ادامه می‌یابد (همان).

تحقیقات فراوانی هم در این زمینه در خارج از ایران انجام شده‌است. در چند سال اخیر نیز، پژوهش‌هایی در کشورمان صورت گرفته که به دلیل در دسترس نبودن ابزار مناسب، بیش‌تر در زمینه‌ی هویت شغلی بوده‌است (فیض درگاه، ۱۳۷۴؛ حسینی، ۱۳۷۵).

پرسش‌نامه‌ی سنجش عینی منزلت هویت من (EOM-ELS2) که نخستین بار توسط آقای رحیمی‌نژاد (۱۳۷۹) به کار رفت، ابزاری مناسب برای بررسی هویت در حیطه‌های مختلف عقیدتی و بین‌فردی فراهم آورده‌است. پژوهش‌هایی که در ایران صورت گرفته، تا جایی که بررسی شد، مقایسه‌ئی میان دختران و پسران انجام نداده، بلکه این مقایسه، فقط در زمینه‌ی هویت شغلی بوده‌است.

پژوهش حاضر، تلاشی است برای مقایسه‌ی دختران و پسران دانش‌جو، با استفاده از پرسش‌نامه‌ی سنجش عینی منزلت من، و بررسی وضعیت قرارگیری دختران و پسران دانش‌جو در منزلت‌های مختلف هویتی.

پیشینه و ادبیات تحقیق

یکی از موضوعات اصلی نظریه‌ی اریکسون، هویت من^۱ و رشد آن است. هویت من، احساسی است که هوشیارانه تجربه می‌شود؛ احساسی که از تبادل فرد با واقعیت اجتماعی خویش برمی‌خیزد.

هویت من یک فرد، پیوسته در حال تبدیل و تغییر در پاسخ به تغییرات محیط اجتماعی است. اما، با وجود این تبدیل و تغییر، به دو بعد استمرار یا مداومت فرد در طی زمان، و احساس وحدت و این‌همانی فرد علی‌رغم گذشت

1. Ego Identity

زمان تأکید کرده‌است. /ریکسون معتقد است که ساخت و حفظ احساسی قوی از هویت من، بسیار مهم و از وظایف هر فرد در طول زنده‌گی است، و عدم ساخت چنین احساسی می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌های روانی باشد (اریکسون، ۱۹۷۴ و ۱۹۶۸؛ به نقل از کارور و شی‌یر، ۱۹۹۶).

بیش‌ترین کوشش‌های انجام‌شده برای نتیجه‌گیری، توسعه، و اعتبار تجربی مفهوم هویت خود /ریکسون، مربوط به طرح «حالات هویت» یا «منزلت‌های هویتی» است که توسط جیمز مارشیا (۱۹۸۰-۱۹۹۶) عنوان شد، و به بررسی رشد و هویت در طول دوران نوجوانی می‌پردازد. مارشیا با انطباق دو معیار بحران و تعهد با سه حوزه‌ی عملکرد کلی، یعنی شغل، مسلک و جنسیت افراد، روشی برای سنجش هویت من پدید آورده‌است (۱۹۶۶).

این چهار پایگاه منزلت عبارت است از: سردرگمی، دنباله‌روی، بحران‌زده‌گی و هویت‌یافته‌گی. وجود این پایگاه‌ها اثبات شده و تحقیقاتی هم درباره‌ی چه‌گونه‌گی ایجاد پایگاه‌ها و ارتباط‌های خاصی که با برخی مسائل، از جمله الگوهای تعادل خانواده‌گی و ویژه‌گی‌های شخصیتی دارد، انجام شده‌است.

تا مدت‌ها، شیوه‌ی مصاحبه‌ی مارشیا در سنجش هویت به کار رفت، اما این شیوه، به دلیل مسائلی خاص که همراه داشت، سنجش عینی منزلت‌های هویتی را ممکن نمی‌ساخت.

برای رفع این مشکل، نخستین پرسش‌نامه‌ی سنجش عینی هویت من^۱، در ۱۹۷۹، توسط آدامز^۲، شی^۳ و فیچ^۴، برای سنجش چهار منزلت هویتی سردرگم، دنباله‌رو، بحران‌زده و هویت‌یافته، در سه زمینه‌ی شغل، سیاست و مذهب ساخته‌شد. سپس، در ۱۹۸۴، با جداسازی دو جنبه‌ی عقیدتی و بین‌شخصی، پرسش‌نامه‌ی پیشین گسترش یافت^۵. این پرسش‌نامه هم، در ۱۹۸۶، با ۶۴ سؤال، دوباره بازنگری شد.

1. OM-EIS

2. Adams

3. Shai

4. Fitch, S. A.

5. EOM-EIS1 (The Extended Objective Measure of Ego Identity Status)

مطالعات انجام‌شده درباره‌ی ارتباط میان منزلت‌های هویتی مختلف با متغیرهای روان‌شناختی، نشان داده‌است که می‌توان تغییرات مهم روان‌شناختی را با استفاده از منزلت هویتی افراد نشان داد. برای نمونه، روابطی میان هویت‌یافته‌گی و حرمت خودِ بالا، اضطراب و افسردگی پایین، هدفمند بودن، هم‌کاری، ظرفیت صمیمیتِ بالا و تفکر انتزاعی به دست آمده‌است. در برابر، پژوهش‌هایی هم در مورد رابطه‌ی سردرگمی هویتی با برخی آسیب‌های روان‌شناختی و عدم برخورداری از سلامت روانی مناسب، انجام شده‌است (واترمن، ۱۹۹۲؛ به نقل از رحیمی‌نژاد). درباره‌ی پژوهش‌های انجام‌شده در رابطه با پایگاه‌های هویت در ایران، باید گفت که بیش‌تر پژوهش‌های انجام‌شده در سال‌های اخیر، به دلیل در دسترس نبودن ابزار مناسب، اغلب در زمینه‌ی هویت شغلی بوده‌است (فیض درگاه، ۱۳۷۴؛ حسینی، ۱۳۷۵).

اساساً، پیش از ۱۹۸۰، دستیابی به هویت در میان مردان و زنان، جداگانه بررسی می‌شد، زیرا گمان بر این بود که هر جنس به گونه‌ئی متفاوت به هویت دست می‌یابد. اما، از ۱۹۸۰، پژوهش‌ها به مطالعه‌ی مشترک هر دو جنس بیش‌تر توجه داشته، و افزون بر مطالعه و بررسی شباهت‌های میان دو جنس، به واگویی تفاوت‌های آن‌ها پرداخته‌اند:

آ- در مردان، هویت، بر جدایی و استقلال متمرکز است؛ اما در زنان، بر وابستگی. هویت مردانه به وسیله‌ی تعلق تهدید می‌شود، ولی هویت زنانه به وسیله‌ی جدایی (براون^۱، ۱۹۸۷؛ اشتین‌برگ^۲، ۱۹۹۶).

از سوی دیگر، در یک دسته‌بندی از صفات، آن را به دو دسته‌ی صفات ابزاری و صفات بیان‌گر بخش‌بندی نموده‌اند. مطالعات نشان داده‌است که صفات ابزاری (استقلال و رقابت)، با حالات هویتی بالا (بحران و هویت‌یافته‌گی) در حوزه‌ی شغل برای هر دو جنس، در حوزه‌ی مذهب برای زنان، و در حوزه‌ی نقش جنسی برای زنان ارتباط داشته‌است. مطالعات دیگر، نشان‌دهنده‌ی وجود رابطه میان حالات هویتی بالا در حوزه‌های بین‌فردی و نقش جنسی، با

1. Browne
2. Steinberg

ویژه‌گی‌های بیان‌گر مهربانی و حساسیت در مردان، بوده‌است. هر چه فرد در سطوح بالاتر. ویژه‌گی‌های ابزاری و بیان‌گر باشد، در مراحل بالاتر. حالات هویتی قرار دارد (میشیگان، ۱۹۸۷).

ب- در تحقیقی برای بررسی تأثیر زمینه‌ی تاریخی بر تحول هویت و عوامل مؤثر بر آن، تغییراتی در طول یک دوره‌ی ۶ساله (۱۹۹۰-۱۹۸۴) دیده‌شده‌است.

بیش‌تر زنان و مردان، شغل را نخستین عامل مهم در تعریف خود عنوان کرده‌اند. مردان، مذهب و زنان، سیاست را کم‌ترین عامل مهم در تعریف خود دانسته‌اند. یافته‌ی دیگر کاهش اهمیت ارزش‌های نقش جنسی، افزایش اهمیت نقش شغل برای زنان، و افزایش حالت ممانعت در زنان را نشان داده‌است (جان کروگر، ۱۹۹۳).

ج- آن‌چه انواع مختلف حالات هویتی را از هم جدا می‌سازد، مسئله‌ی تعهد است. انسان معمولاً به چیزی تعهد می‌سپارد که نسبت به آن دانش و بینش داشته‌باشد و این دو نیز از آگاهی و تجربه سرچشمه می‌گیرد. قاعدتاً، هر چه دانش و بینش انسان به چیزی بیش‌تر باشد، در تعهد خود استوارتر است. با توجه به این نکته، این سؤال مطرح می‌شود که اگر بخواهیم به کمک پرسش‌نامه‌ی سنجش عینی منزلت هویت من، به بررسی و مقایسه‌ی وضعیت دختران و پسران دانش‌جو بپردازیم، آیا تفاوت یا تفاوت‌های معنادار بین این دو گروه خواهیم یافت؟ و آیا اساساً تفاوت معناداری وجود دارد یا نه؟

باید یادآور شویم که پژوهش‌های انجام‌شده، تفاوت‌های معناداری در توزیع حالات هویتی میان زنان و مردان نشان نداده‌است. گفته‌شده که تفاوت‌های جنسیتی، در برخی موارد در شکل‌گیری هویت اثر می‌گذارد؛ مثلاً به خاطر برخی شرایط فرهنگی و ... ممکن است شکل‌گیری هویت در دختران دردناک‌تر از پسران باشد، یا شکل‌گیری منزلت هویت‌یافته‌گی دختران و پسران متفاوت باشد.

بر پایه‌ی مفاهیمی که از تفاوت‌های میان زنان و مردان در جریان شکل‌گیری هویت، شناخته شده، و از آن‌جا که در ایران مقایسه‌ی میان دختران و پسران دانش‌جو با توجه به پرسش‌نامه‌ی EOM-EIS2 انجام نشده‌است، به طرح فرضیات و آزمون آن‌ها می‌پردازیم.

بیان فرضیه‌های پژوهش

۱- میان منزلت هویتی افراد و سن آنان رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.
 ۲- جنسیت افراد بر تحول منزلت هویتی افراد تأثیر مستقیم دارد.
 جامعه‌ی آماری پژوهش، تمامی دانش‌جویان دختر و پسر مقطع کارشناسی از دانشگاه‌های وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی در شهر تهران است. برای بررسی پایگاه هویتی افراد از پرسش‌نامه‌ی EOM-EIS2 استفاده شد. نخستین پرسش‌نامه‌ی سنجش عینی هویت من OM-EIS در ۱۹۷۹ توسط آدامز، شی و فیچ برای سنجش ۴ منزلت هویتی (سردرگم، دنباله‌رو، بحران‌زده و هویت‌یافته)، در سه زمینه‌ی شغل، سیاست و مذهب ساخته‌شد. شمار پرسش‌ها، با توجه به طراحی ۲ سؤال در هر زمینه، در جمع، ۶ سؤال برای هر منزلت هویتی و ۲۴ سؤال برای پرسش‌نامه‌ی سنجش عینی هویت است (رحیمی نژاد، ۱۳۷۹).

متغیر مستقل در این پژوهش، سن و جنسیت، و متغیر وابسته، پایگاه‌های هویتی است.

از شاخص‌های آمار توصیفی، برای تعیین درصد و فراوانی، هم در مورد متغیرها و هم در مورد انواع پایگاه‌های هویتی در میان دختران و پسران استفاده شده‌است.

برای بررسی روابط بین متغیرها و انواع پایگاه‌های هویتی، آزمون مجذور کای دوطرفه در سطح معناداری $\alpha = 0/05$ و برای آزمون معنادار بودن تفاوت در انواع هویت در میان گروه دختران و گروه پسران به طور جداگانه، آزمون مجذور کای یک‌طرفه به کار گرفته‌شد.

یافته‌های تحقیق

در جدول ۱، نتایج آزمون مجذور کای دوطرفه، در مورد تفاوت میان دانش‌جویان مقاطع سنی مختلف از نظر انواع هویت درون‌فردی آمده‌است. بر اساس داده‌های این جدول، چون مقدار کای به‌دست‌آمده ($\chi^2 = ۱۲/۱۰۴$) با درجه‌ی آزادی ۶ تقریباً با مقدار مجذور کای جدول (۱۲/۵۹) برابر است، بنابراین فرض صفر تأیید نشده و در بین دانش‌جویان مقاطع سنی مختلف از نظر هویت درون‌فردی تفاوت وجود دارد.

جدول ۱- آزمون مجذور کای دوطرفه
برای سنجش رابطه‌ی سن و انواع هویت درون‌فردی

مجموع	هویت‌یافته‌گی درون‌فردی	بحران‌زده‌گی درون‌فردی	دنباله‌روی درون‌فردی	سردرگمی درون‌فردی	انواع هویت مقاطع سنی
۱۶۶	۲۰	۱۰۸	۲۱	۱۷	۲۰ تا ۱۷
%۴۳/۱	%۱۲/۰	%۶۵/۱	%۱۲/۷	%۱۰/۲	
۱۸۶	۱۹	۱۰۷	۲۱	۳۹	۲۴ تا ۲۱
%۴۸/۳	%۱۰/۲	%۵۷/۵	%۱۱/۳	%۲۱/۰	
۳۳	۶	۱۶	۷	۴	۳۰ تا ۲۵
%۸/۶	%۱۸/۲	%۴۸/۵	%۲۱/۲	%۱۲/۱	
۳۸۵	۴۵	۳۳۱	۴۹	۶۰	مجموع
%۱۰۰/۰	%۱۱/۷	%۶۰/۰	%۱۲/۷	%۱۵/۶	

$$\chi^2 = ۱۲/۱۰۴۸۶$$

$$P < ۰/۰۵۹۶۷$$

$$df = ۶$$

$$\alpha = ۰/۰۵$$

در جدول ۲، نتایج آزمون مجذور کای دوطرفه، در مورد تفاوت میان دانش‌جویان مقاطع سنی مختلف از نظر انواع هویت بین‌فردی آمده‌است. بر اساس داده‌های این جدول، چون مقدار کای محاسبه‌شده ($\chi^2 = ۱۰۹/۴۸$) با درجه‌ی آزادی ۶ تقریباً با مقدار مجذور کای جدول (۱۲/۵۹) برابر است، پس

فرض صفر تأیید شده و در بین دانش‌جویان مقاطع سنی مختلف از نظر هویت بین‌فردی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۲- آزمون مجذور کای دوطرفه برای سنجش رابطه‌ی سن و انواع هویت بین‌فردی

انواع هویت / مقاطع سنی	سردرگمی بین‌فردی	دنباله‌روی بین‌فردی	بحران‌زده‌گی بین‌فردی	هویت‌یافته‌گی بین‌فردی	مجموع
۱۷ تا ۲۰	۲۴ ٪۱۴/۶	۲۱ ٪۱۲/۸	۱۰۳ ٪۶۲/۸	۱۶ ٪۹/۸	۱۶۴ ٪۴۲/۸
۲۱ تا ۲۴	۲۹ ٪۱۵/۶	۱۱ ٪۵/۹	۱۳۴ ٪۷۲/۰	۱۲ ٪۶/۵	۱۸۶ ٪۴۸/۶
۲۵ تا ۳۰	۴ ٪۱۲/۱	۳ ٪۹/۱	۲۰ ٪۶۰/۶	۶ ٪۱۸/۲	۳۳ ٪۸/۶
مجموع	۵۷ ٪۱۴/۹	۳۵ ٪۹/۱	۲۵۷ ٪۶۷/۱	۳۴ ٪۸/۹	۳۸۳ ٪۱۰۰/۰

$$\chi^2 = ۱۰۹/۴۸$$

$$df = ۶$$

$$P < ۰/۰۰۰۱$$

$$\alpha = ۰/۰۵$$

در جدول ۳، نتایج آزمون مجذور کای یک‌طرفه، در مورد دانش‌جویان مرد گروه نمونه، با توجه به انواع هویت درون‌فردی آمده‌است.

جدول ۳- آزمون مجذور کای یک‌طرفه بین انواع هویت درون‌فردی دانش‌جویان مرد

انواع هویت / شاخص‌های آماری	سردرگمی	دنباله‌روی	بحران‌زده‌گی	هویت‌یافته‌گی
فراوانی مشاهده‌شده	۲۸ ٪۱۷/۹	۱۶ ٪۱۰/۳	۹۵ ٪۶۰/۹	۱۷ ٪۱۰/۹
فراوانی مورد انتظار	۳۹	۳۹	۳۹	۳۹
باقی‌مانده	-۱۱	-۲۳	۵۶	-۲۲

$$\chi^2 = ۱۰۹/۴۸$$

$$df = ۳$$

$$P < ۰/۰۹۸۲۱$$

$$\alpha = ۰/۰۵$$

بر اساس نتایج، چون مقدار مجذور کای محاسبه‌شده ($\chi^2 = 109/48$) با درجه‌ی آزادی ۳، از مقدار مجذور کای جدول (۷/۸۱) بزرگ‌تر است، بنابراین فرض صفر تأیید نشده و بین دانش‌جویان مرد از نظر قرار داشتن در انواع هویت درون‌فردی تفاوت معنادار وجود دارد.

در جدول ۴، نتایج آزمون مجذور کای یک‌طرفه، در مورد دانش‌جویان مرد گروه نمونه، با توجه به انواع هویت بین‌فردی آمده‌است. بر اساس این نتایج، چون مقدار مجذور کای محاسبه‌شده ($\chi^2 = 133/726$) با درجه‌ی آزادی ۳، از مقدار مجذور کای جدول (۷/۸۱) بزرگ‌تر است، بنابراین فرض صفر تأیید نشده و بین دانش‌جویان مرد از نظر قرار داشتن در انواع هویت بین‌فردی تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۴- آزمون مجذور کای یک‌طرفه
بین انواع هویت بین‌فردی دانش‌جویان مرد

انواع هویت	سردرگمی	دنباله‌روی	بحران زده‌گی	هویت یافته‌گی
شاخص‌های آماری				
فراوانی مشاهده‌شده	۲۹	۱۲	۱۰۱	۱۵
	٪۱۸/۵	٪۷/۶	٪۶۴/۳	٪۹/۶
فراوانی مورد انتظار	۳۹/۲۵	۳۹/۲۵	۳۹/۲۵	۳۹/۲۵
باقی‌مانده	-۱۰/۲۵	-۲۷/۲۵	۶۱/۷۵	-۲۴/۲۵

$$\chi^2 = 133/726$$

$$df = 3$$

$$P < 0/0001$$

$$\alpha = 0/05$$

در جدول ۵، نتایج آزمون مجذور کای یک‌طرفه، در مورد دانش‌جویان زن گروه نمونه، با توجه به انواع هویت درون‌فردی آمده‌است. بر اساس این نتایج، چون مقدار مجذور کای محاسبه‌شده ($\chi^2 = 164/773$) با درجه‌ی آزادی ۳، از مقدار مجذور کای جدول (۷/۸۱) بزرگ‌تر است، بنابراین فرض صفر تأیید نشده و بین دانش‌جویان زن از نظر قرار داشتن در انواع هویت درون‌فردی تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۵- آزمون مجذور کای یک طرفه
بین انواع هویت درون فردی دانش جویان زن

انواع هویت	سردرگمی	دنباله روی	بحران زده گی	هویت یافته گی
شاخص های آماری				
فراوانی مشاهده شده	۳۳	۳۶	۱۴۹	۲۹
	٪۱۳/۴	٪۱۴/۶	٪۶۰/۳	٪۱۱/۷
فراوانی مورد انتظار	۶۱/۷۵	۶۱/۷۵	۶۱/۷۵	۶۱/۷۵
باقی مانده	-۲۸/۷۵	-۲۵/۷۵	۸۷/۲۵	-۳۲/۷۵

$$\chi^2 = ۱۶۴/۷۷۳$$

$$df = ۳$$

$$P < ۰/۰۰۰۱$$

$$\alpha = ۰/۰۵$$

در جدول ۶ نتایج آزمون مجذور کای یک طرفه، در مورد دانش جویان زن گروه نمونه، با توجه به انواع هویت فردی آمده است. بر اساس این نتایج، چون مقدار مجذور کای محاسبه شده ($\chi^2 = ۲۵۸/۴۶۱$) با درجه ی آزادی ۳، از مقدار مجذور کای جدول (۷/۸۱) بزرگ تر است، بنابراین فرض صفر تأیید نشده و بین دانش جویان زن از نظر قرار داشتن در انواع هویت بین فردی تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۶- آزمون مجذور کای یک طرفه
بین انواع هویت بین فردی دانش جویان زن

انواع هویت	سردرگمی	دنباله روی	بحران زده گی	هویت یافته گی
شاخص های آماری				
فراوانی مشاهده شده	۳۱	۲۴	۱۷۰	۲۰
	٪۱۲/۷	٪۹/۸	٪۶۹/۴	٪۸/۲
فراوانی مورد انتظار	۶۱/۷۵	۶۱/۷۵	۶۱/۷۵	۶۱/۷۵
باقی مانده	-۳۰/۷۵	-۳۷/۷۵	۱۰۸/۲۵	-۴۱/۷۵

$$\chi^2 = ۲۵۸/۴۶۱$$

$$df = ۳$$

$$P < ۰/۰۰۰۱$$

$$\alpha = ۰/۰۵$$

تحلیل نتایج پژوهش

۱- یافته‌های مربوط به رابطه‌ی جنسیت با پایگاه‌های هویتی

فرضیه‌ی ۱: درصد بیشتری از دختران نسبت به پسران در منزلت هویتی دنباله‌رو قرار دارند.

فرضیه‌ی ۲: درصد بیشتری از پسران نسبت به دختران در منزلت هویت‌یافته‌گی قرار دارند.

در رابطه با ۲ فرضیه‌ی بالا، نتایج به‌دست‌آمده از آزمون مجذور کای دوطرفه، در دو حوزه‌ی عقیدتی و بین‌فردی رابطه‌ی بامعنا نشان نداد و بین جنسیت و قرارگیری در پایگاه‌های مختلف هویتی، رابطه‌ی به دست نیامد. تحقیقات پیشین هم، عمدتاً نشان‌دهنده‌ی عدم تفاوت میان دختران و پسران بوده‌است.

روتمن (۱۹۷۷؛ نقل از حسینی، ۱۳۷۵) تحقیقی در مورد تفاوت میان زنان و مردان در هویت‌یابی و حل بحران‌های روانی-اجتماعی انجام داد. او دریافت که زنان و مردانی که در منزلت هویت‌یافته‌گی یا هویت موفق بودند، در حل اغلب بحران‌های روانی-اجتماعی تفاوت چندانی با هم نداشتند.

در پژوهشی دیگر (طباطبایی، ۱۳۷۷)، بین دختران و پسران در رسیدن به پایگاه‌های هویت، تفاوت معناداری به دست نیامد.

مارشیا و فریدمن (۱۹۷۰)، اشاره کرده‌اند که آزمودنی‌های پسر در هویت موفق هویت‌یافته‌گی و دیررس بحران‌زده‌گی شباهت دارند؛ و دختران در هویت موفق و زودرس دنباله‌رو بیش‌تر شبیه‌اند. اما در مجموع، تفاوت قابل ملاحظه‌ی به نظر نمی‌رسد. اما در پژوهشی دیگری (فیض‌درگاه، ۱۳۷۴)، نشان داده‌شده که در دختران، هویت زودرس شبیه منتشر و دیررس شبیه موفق بوده‌است.

در تحقیق حسینی (۱۳۷۵)، بین دانشجویان دختر و پسر از لحاظ رسیدن به هویت شغلی موفق، تفاوت معناداری به دست نیامد. اما مقایسه‌ی دو گروه نشان داد که در هویت شغلی موفق میانگین دانش‌جویان پسر بیش‌تر از دختران است.

ب- رابطه‌ی سن و انواع پایگاه‌های هویتی

فرضیه ۴: بین سن و انواع پایگاه‌های هویتی رابطه وجود دارد.

نتایج به‌دست‌آمده در حوزه‌ی هویت درون‌فردی نشان‌گر رابطه‌ی بامعنا بود و در حیطه‌ی بین‌فردی، رابطه‌ی به دست نداد.

وایزرز، باروکس و موسن‌بک (۱۹۹۴)، با استفاده از مقیاس ارزش‌یابی سبک‌های هویت بر اساس مصاحبه‌ی مارشیا، سطوح چهارگانه‌ی هویتی را در ۱۹۷ نوجوان بررسی کردند. روند هویت، با گذشت زمان و عامل رشد مرتبط است. در سنین بالاتر، هویت موفق بین افراد بیش‌تر دیده‌می‌شود.

هاسن در تحقیق خود (۱۹۹۳) مشاهده کرد که زنان با الگوی هویتی موفق زودرس در سال‌های میانی بیش‌ترین فراوانی را داشتند.

فقط ۱۵ درصد از دانش‌آموزان مقطع دبیرستان دارای هویت شغلی موفق هستند؛ در حالی که در پایان دانشگاه این مقدار به ۳۹/۷ درصد می‌رسد. در ایران هم در پژوهشی (فیض درگاه، ۱۳۷۴) نشان داده‌شده که در دبیرستان ۱۷ درصد هویت شغلی موفق وجود داشته، در صورتی که در تحقیقی دیگر (حسینی، ۱۳۷۵) در مورد دانش‌جویان به ۲۶ درصد افزایش یافته‌است.

در پژوهشی دیگری (طباطبایی، ۱۳۷۷) در دبیرستان، هویت موفق ۸/۴۷ درصد بوده که در سال‌های آغاز دانشگاه به ۱۳/۰۷ درصد افزایش یافته‌است.

هویت معشوش، وضعیت معکوس داشته‌است. میزان آن از ۲۷/۵۶ درصد در آخر نوجوانی، به ۱۸/۷۲ درصد در آغاز جوانی کاهش یافته‌است. در تحقیق واکرمن (۱۹۸۵)، هویت زودرس و منتشر، رشد معکوس خود را از ۳۶ درصد و

۲۹ درصد به ۲۶ درصد و ۲۳ درصد نشان می‌دهد. در تحقیق فیض درگاه و حسینی در ایران نیز، کاهش هویت مغشوش را از ۳۶ درصد به ۳۴ درصد مشاهده می‌کنیم.

در تحقیق حاضر هم، بیش‌ترین میزان هویت‌یافته‌گی در مقطع سنی ۲۵ تا ۳۰ دارای بیش‌ترین فراوانی است. به عبارتی، در رابطه با منزلت سردرگمی، ابتدا افزایش و سپس کاهش فراوانی داشته‌ایم. این یافته‌ها در زمینه‌ی دنباله‌روی، نخست کاهش و سپس افزایش نشان داده، به طوری که بیش‌ترین میزان دنباله‌روی در مقطع سنی ۲۵ تا ۳۰ بوده‌است.

در زمینه‌ی بحران‌زده‌گی، با افزایش سن، کاهش فراوانی داشته‌ایم. ولی در هر سه گروه سنی، بحران‌زده‌گی بیش‌ترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌است. این مسئله که با افزایش سن، کاهش بحران‌زده‌گی داشته‌باشیم، منطقی به نظر می‌رسد، چون به هر حال با افزایش سن، فرد به احتمال زیاد به بسیاری از سوالات اساسی خود ناگزیر باید پاسخ بدهد تا بتواند مسئولیت‌های زنده‌گی را بر عهده گیرد؛ ولی این که حتی در مقطع سنی ۲۵ تا ۳۰ بیش‌ترین فراوانی مربوط به بحران‌زده‌گی است، برآمده از نیاز روزافزون جوانان امروز به کسب هویت و به تأخیر افتادن شرایط زمینه‌ساز آن است.

بحث و نتیجه‌گیری

رشد هویت زنانه را بیش‌تر بر اساس وابسته‌گی و تعلق، و در مورد پسران، بر اساس استقلال و رقابت دانسته‌اند. دختران هویت‌شان را پیرامون روابط اجتماعی، شکل می‌دهند. روابط عاطفی آن‌ها با خانواده و اطرافیان بیش‌تر و محکم‌تر است؛ از این رو، بیش‌تر پذیرای آرا و تصمیم‌های خانواده و اطرافیان هستند.

از سوی دیگر، در پژوهش حسینی (۱۳۷۵)، تفاوت فاحشی میان عزت نفس دختران و پسران دیده‌شد. در هر سن، پسران نمرات بالاتری به دست

می‌آورند. دخترانی که عزت نفس بالا داشتند، دوست داشتند با دیگران ارتباط داشته‌باشند و ابراز صمیمیت می‌کردند؛ در حالی که پسران با عزت نفس بالا، توجه‌شان به خودشان معطوف بود تا دیگران. بنابراین، اجتماعی شدن زنان بیش‌تر برای کنار آمدن با دیگران است، در حالی که، اجتماعی شدن مردان بیش‌تر برای پیش‌رفت می‌باشد.

بر اساس مفاهیم ارائه‌شده، به نظر رسید که منزلت **دنباله‌روی** در میان دانش‌جویان زن به طور معناداری بیش‌تر از مردان باشد، که این فرضیه مورد تأیید قرار نگرفت. علت آن را می‌توان شرایط کنونی جوامع دانست که در بسیاری از زمینه‌ها از جمله امکانات و شرایط تربیتی، تا حدی تفاوت‌های جنسیتی کم‌رنگ شده و این امر بر تفاوت‌های میان دختران و پسران تأثیرگذار بوده‌است.

البته علی‌رغم این که تفاوت معناداری بین دو گروه به دست نیامد، اما با نگرش به نسبت‌ها ملاحظه می‌شود که تعداد بیش‌تری از دختران نسبت به پسران در منزلت **دنباله‌روی** قرار دارند (۱۴/۵ درصد در برابر ۱۰/۲ درصد).

از جمله تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده، تحقیق حسینی (۱۳۷۵) است که در آن، هویت شغلی منتشر (منزلت سردرگمی) در هر دو گروه دختران و پسران، دارای بیش‌ترین فراوانی بوده و هویت شغلی منتشر، در دانش‌جویان پسر با فراوانی بیش‌تری همراه بوده‌است. علت افزایش فراوانی هویت منتشر در مردان، می‌تواند اهمیت بیش‌تر شغل برای آنان باشد و این که دستیابی به شغل مناسب با توجه به شرایط جامعه‌ی ما کار چندان ساده‌ئی نیست.

در پژوهش حاضر، هر چند بیش‌ترین میزان فراوانی در هر دو گروه مربوط به منزلت **بحران‌زده‌گی** بوده، اما منزلت سردرگمی در پسران بیش از دختران بوده‌است (۱۳/۳ درصد در برابر ۱۸/۴ درصد).

هویت‌یافته‌گی در کمترین میزان فراوانی نسبت به سایر منزلت‌ها قرار گرفته‌است. تنها تفاوت موجود میان زنان و مردان در این زمینه، این است

که در زنان، هویت‌یافته‌گی از نظر فراوانی در آخرین رتبه قرار گرفته، یعنی نسبت به سایر منزلت‌ها از فراوانی کم‌تری برخوردار است؛ اما در مردان، در مرتبه‌ی سوم قرار گرفته و فراوانی آن بیش از دنباله‌روی است که به معنای تأیید تفاوت رشد هویت در مردان و زنان (استقلال - وابسته‌گی) می‌باشد.

در تحقیقاتی که توسط مارشیا در مورد دانش‌جویان انجام شد، منزلت‌های هویتی سردرگم و بحران‌زده بیش‌تر دیده‌شده‌است تا منزلت‌های هویتی دنباله‌روی و هویت‌یافته‌گی.

در تحقیق حسینی (۱۳۷۵) نیز، در هویت شغلی موفق هویت‌یافته‌گی، میانگین دانش‌جویان پسر بیش از دختران است.

آرشر (۱۹۹۲)، بیان داشته که فرآیند شکل‌گیری هویت شغلی، برای زنان مشکل است، زیرا آنان موانع بیرونی زیادی برای پیش‌رفت سر راه خود می‌بینند. یک حیطة‌ی عمده در این زمینه تقدم و برتری شغل-خانواده است. مردان، اغلب بین شغل و مسائل خانواده‌گی ارتباط نمی‌بینند. آنها تسهیل شرایط برای پیش‌رفت همسر، نگه‌داری از فرزند و ... را در نظر ندارند. در حالی که این موضوع، تعارضی ویژه در دختران ایجاد می‌کند. گر چه درصد زیادی از زنان وارد بازار کار شده‌اند، اما اغلب، این اشتغالات ذهنی را دارند. چون زنان مسئولیت مالی خانواده را کم‌تر بر عهده دارند و جامعه نیز از ایجاد ساختاری که به آنها کمک کند تا با این مسائل دشوار روبرو شوند کوتاهی می‌کند، سعی در انتخاب مشاغلی دارند که به آنان اجازه دهد فرصتی بیش‌تر برای رسیده‌گی به فعالیت‌های خانواده داشته باشند.

عامل دیگر در مورد زنان، ترس است. تحقیقات کینزل نشان داده که ترس از شکست، بهترین عامل برای پیش‌رفت شغلی-تحصیلی در دختران است. از عمده‌ترین عوامل پدیدآورنده‌ی این ترس، همان تقدم و تأخر شغل-خانواده است که به آن اشاره شد. این مشکل در همه‌ی جوامع وجود دارد، ولی در جامعه‌ی ما به دلیل قوی‌تر بودن پیوسته‌گی‌های عاطفی و سنتی و پذیرش

تأهل، جو آرام و منضبط خانواده‌گی به عنوان ملاک درجه‌بندی ارزش برای زنان، مشهودتر است.

بحران‌زده‌گی در هر دو جنس، در بالاترین میزان فراوانی نسبت به سه منزلت دیگر است. فرانکنشتین^۱ (۱۹۶۰)، بیان داشته که منزلت بحران‌زده‌گی پدیده‌ی طبقه‌ی متوسط بوده و تنها در فرهنگ و جامعه‌ی غرب دیده می‌شود. کودکی که با فقر رشد می‌کند و فردی که در فرهنگ شرق تربیت می‌شود نمی‌تواند این هویت را تجربه کند. در چنین موقعیت‌هایی، نوجوانی ادامه‌ی کودکی و ورود به بزرگسالی نیست؛ افراد فرصتی برای بررسی مشاغل ندارند و پیش از این که در جست‌وجوی هویت شغلی باشند، بزرگسالی و به دنبال آن، تأمین نیازهای مادی آنان را در بر می‌گیرد.

این گفته ممکن است در دهه‌ی ۶۰ تا حدی درست بوده باشد، ولی پژوهش حاضر و پژوهش دیگر انجام‌شده نشان‌گر این است که نه تنها بحران‌زده‌گی وجود دارد، بلکه در بالاترین میزان نسبت به سایر منزلت‌ها است.

بررسی علل بالا بودن میزان بحران‌زده‌گی و کاهش هویت‌یافته‌گی

در تفسیر درصدهای قابل توجه بحران‌زده‌گی، میوس (۱۹۹۶) با اشاره به دیدگاه مارشیا، بیان کرده است که تعلق به گروه بحران‌زده و هویت‌یافته، به معنای فاصله گرفتن از کودکی و قرارگیری در سطح بزرگسالی است؛ به‌ویژه که ورود به بحران‌زده‌گی را می‌توان پیش‌درآمد ورود به هویت‌یافته‌گی دانست، اما نباید این را هم از نظر دور داشت که درصد زیادی از بحران‌زده‌گی، گویای عدم موفقیت در حل بحران هویت و ورود به هویت‌یافته‌گی، و در واقع، نوعی رکود در تحول هویت من است.

اریکسون (۱۹۶۸) بیان داشته که خطر اصلی، تداوم مهلت‌خواهی، عدم تصمیم‌گیری در زمینه‌های مهم و دست نیافتن به ظرفیت‌ها و توان‌مندی‌های روان‌شناختی خود است. تداوم این منزلت، سلامت روانی فرد را تهدید کرده و

1. Frankenstein

موجب بروز واکنش‌های بیمارگونه می‌شود. اغلب، مشکل پراکنده‌گی نقش بر اساس تردیدهای جدی در زمینه‌ی هویت جنسی در زمینه‌های بزه‌کاری در سابقه‌ی نوجوانان گزارش شده‌است. عدم حل تعارض‌های مراحل قبلی می‌تواند به عنوان عاملی مؤثر، تشدیدکننده‌ی پراکنده‌گی نقش به جای هویت‌یابی باشد. در برخی از تحقیقات انجام‌شده، افراد در منزلت بحران‌زده‌گی از بالاترین میزان اضطراب نسبت به سایر منزلت‌ها برخوردار اند. حسینی (۱۳۷۵) در بررسی میزان افسرده‌گی در هویت‌های چهارگانه، نشان می‌دهد که گرچه فقط تفاوت موجود بین میزان افسرده‌گی منتشر و موفق معنادار است، اما تفاوت میانگین افسرده‌گی در هویت‌های دیررس و زودرس نیز، فاصله‌ی چندانی با هویت منتشر ندارد. گفت‌وگو با دانش‌جویان نیز، نشان داد که صرف نظر از انواع هویت، آن‌ها اغلب نگران آینده و اوضاع اجتماعی-اقتصادی هستند.

از سوی دیگر، در برخی مطالعات به نقش هویت مذهبی و هویت قومی و ملی اشاره شده‌است. در پژوهش رحیمی‌نژاد (۱۳۷۹)، نفی هویت مذهبی و نفی هویت ملی، که بیان‌گر طرد فرهنگ خودی است با دو منزلت هویتی-سردرگمی و بحران‌زده‌گی هم‌بسته‌گی مثبت، با حالت اضطراب هم‌بسته‌گی مثبت، و با حرمت به خود هم‌بسته‌گی منفی دارد. کاهش میانگین هویت مذهبی در دانش‌جویان سال چهارم نیز، در پژوهش ذکرشده به دست آمده‌است. بسیاری از نویسندگان و محققان نیز به نقش مذهب و هویت قومی در مفهوم خود و کنش‌وری روان‌شناختی افراد اشاره کرده‌اند. مذهب به افراد کمک می‌کند تا بتوانند به سوالات خود در مورد چه‌گونه‌گی راه‌بردهای اساسی زنده‌گی به پاسخی روشن برسند.

پژوهش مارک ایشروم، آدامز و هم‌کاران (۱۹۹۴)، نشان‌گر هم‌بسته‌گی مثبت بین شرکت در مراسم کلیسا و هویت‌یافته‌گی و دنباله‌روی بوده‌است. فولتن (۱۹۹۷) نیز، رابطه‌ی مثبت جهت‌گیری درونی مذهبی و هویت‌یافته‌گی، و رابطه‌ی منفی جهت‌گیری درونی مذهبی و بحران‌زده‌گی و سردرگمی را نشان داده‌است.

هویت ملی یا قومی، به معنای میزان تعلق یک شهروند به نهادهای اجتماعی، به عنوان عناصر ارزشمند مهم یک نظام ملی و اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. عوامل فرهنگی در منزلت هویتی اثر می‌گذارد و منزلت هویتی نیز به نوبه‌ی خود، در حرمت خود و اضطراب که می‌توان آن‌ها را در شمار شاخص‌های سلامت روانی در نظر گرفت، مؤثر است. طبق تحقیق رحیمی‌نژاد (۱۳۷۹)، با افزایش سال‌های تحصیل در دانشگاه، میزان مذهبی بودن دانش‌جویان افزوده نمی‌شود و حتی کاهش معنادار در میزان مذهبی بودن دانش‌جویان سال چهارم نسبت به سال‌های اول و دوم دیده شده است. تحصیل در دانشگاه بر افزایش یا کاهش هویت ملی تأثیری نداشته است. در واقع، به نظر می‌رسد که دو عامل مهم در هویت‌یافته‌گی که همان هویت مذهبی و ملی است، در فرآیند هویت‌یابی جوانان دانش‌جو کم‌رنگ است.

از دیگر عوامل مؤثر بر هویت، زمینه‌ی تاریخی است. مطالعات مارشیا (۱۹۸۹) تأثیر تغییرات تاریخی، اقتصادی و سیاسی را در عادات و سنت‌ها و افزایش هویت سردرگمی مؤثر دانسته است.

در پژوهش حاضر هم دیده شد که پس از بحران زده‌گی، بیش‌ترین فراوانی از آن سردرگمی است. همچنین، در پژوهشی دیگر (حسینی، ۱۳۷۵)، هویت شغلی منتشر سردرگم دارای بیش‌ترین فراوانی بوده است. در شرایط جامعه‌ی ما که جامعه‌ئی در حال توسعه است، میزان بالای منزلت سردرگمی پس از بحران زده‌گی توجیه‌پذیر است.

کروگر، به رابطه‌ی سردرگمی هویتی و حرمت به خود پایین، استقلال پایین، پایین بودن سطح قضاوت اخلاقی (اخلاق پیش از قراردادی یا قراردادی)، استفاده از سبک‌های شناختی کم‌تر پیچیده در مقایسه با بحران زده‌گی و هویت‌یافته‌گی، سطح بالای ناامیدی، فاصله گرفتن از دیگران و انزوای اشاره می‌کند. با توجه به این که برخورداری از حرمت خود بالا و اضطراب پایین به عنوان دو شاخص مهم سلامت روانی مطرح است، مسئله‌ی

آسیب‌پذیر بودن گروه قرارگرفته در منزلت سردرگمی، که پس از بحران‌زده‌گی بیش‌ترین فراوانی را در نمونه‌ی پژوهش داشته، (بیش از ۱۴ درصد) قابل توجه است.

در تحقیق رحیمی‌نژاد (۱۳۷۹) نیز، افزایش سردرگمی در دانش‌جویان سال دوم و چهارم، نسبت به دانش‌جویان سال اول و سوم مشخص است. علاوه بر این، در پژوهش یادشده، بیش‌ترین میزان اضطراب در گروه سردرگم به دست آمد که به طور معناداری از منزلت‌های دیگر بیش‌تر بوده‌است. هویت‌یافته‌گی در کم‌ترین میزان نسبت به سه منزلت دیگر در گروه نمونه، به چشم می‌خورد (۱۱/۴ درصد). تحقیقات دیگری هم‌چون تحقیقات مارشیا نیز نشان داده بود که دانش‌جویان بیش‌تر در هویت سردرگم و بحران‌زده قرار دارند تا هویت دنباله‌رو و کسب هویت.

در تحقیق رحیمی‌نژاد (۱۳۷۹)، بین افزایش سال‌های تحصیل و افزایش هویت‌یافته‌گی رابطه‌ئی به دست نیامد. از سوی دیگر، میان هویت‌یافته‌گی با حرمت به خود، اضطراب و افسرده‌گی ضعیف، هدفمند بودن هم‌کاری و کمک به دیگران، صمیمیت فراتر در برخی جنبه‌های تفکر انتزاعی، رابطه‌ئی به دست آمد.

با توجه به اهمیت حرمت خود، در سلامت درونی و کنش‌وری بهینه‌ی سازمان روانی فرد، مطالعات مختلفی برای بررسی رابطه‌ی منزلت‌های هویتی چهارگانه و حرمت انجام شده‌است.

کابین، در مطالعه‌ئی درباره‌ی دانش‌جویان، به توصیف توان‌مندی بیش‌تر دانش‌جویان دارای سطح بالای هویت من، هنگام قرارگیری در موقعیت‌های مهم اجتماعی، در مقایسه با دانش‌جویان دارای سطح پایین‌تر هویت من اشاره کرده‌است.

از آنچه گفته‌شد، این نکته به دست می‌آید که هویت در کنار سایر استعدادها و فاکتورهای هوشی، در کسب موفقیت دخالت دارد و حتا بدون آن شاید بتوان گفت که سلامت و رضایت زنده‌گی کامل نیست. علی‌رغم نقش

مهمی که هویت‌یافته‌گی در سلامت و شخصیت افراد دارد، دیده‌شد که با میزان مناسبی از فراوانی این منزلت روبه‌رو نیستیم. البته این احتمال نیز وجود دارد که تعدادی از افرادی که در منزلت بحران‌زده‌گی قرار دارند به منزلت هویت‌یافته‌گی برسند. اما این که چرا میزان هویت‌یافته‌گی پایین است، نیاز به بررسی و تعمق دارد. از جمله عوامل مهم، می‌توان به نبود شرایط زمینه‌ساز این منزلت اشاره کرد. مهم‌تر از همه، این که در جهان امروز، شرایط متحول شده‌است و اساساً دستیابی به زمینه‌هایی که به هویت‌یافته‌گی کمک کند با تأخیر بیش‌تری صورت می‌گیرد.

Archive of SID

منابع

- ۱- احدی، حسن؛ محسنی، نیک‌چهره. ۱۳۷۸. روان‌شناسی رشد. تهران، شرکت پردیس.
- ۲- ماسن، پاول هنری و دیگران. ۱۳۷۰. رشد شخصیت کودک. ترجمه‌ی مهشید یاسایی. تهران، نشر مرکز.
- ۳- محسنی، نیک‌چهره. ۱۳۷۵. ادراک خود از کودکی تا بزرگسالی. تهران، انتشارات بعثت.
- ۴- برجعلی، احمد. ۱۳۸۰. تحول شخصیت در نوجوان. تهران، انتشارات وراي دانش.
- ۵- شی‌یر، مایکل؛ کارور، چارلز. ۱۳۷۵. نظریه‌های شخصیت. ترجمه‌ی احمد رضوانی. مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۶- سیف نراقی، مریم؛ نادری، عزت‌الله. ۱۳۷۰. روش‌های تحقیق و چه‌گونه‌گی ارزش‌یابی آن در علوم انسانی. تهران، انتشارات بدر.
- ۷- ایزک، استفان. ۱۳۷۶. راهنمای تحقیق و ارزش‌یابی در روان‌شناسی و علوم تربیتی. ترجمه‌ی علی دلاور. تهران، ارسباران.
- ۸- دلاور، علی. ۱۳۷۶. مبانی نظری-عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران، انتشارات رشد.
- ۹- دلاور، علی. ۱۳۷۸. احتمالات و آمار کاربردی در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران، انتشارات رشد.
- ۱۰- کوهن، لوئیس؛ هالیدی، میشل. ۱۳۷۸. آمار در علوم تربیتی و تربیت بدنی. ترجمه‌ی علی دلاور. تهران، انتشارات رشد.
- ۱۱- اتکینسون، ریتال و دیگران. ۱۳۶۹. زمینه‌ی روان‌شناسی. جلد اول. ترجمه‌ی رضا براهنی و دیگران. تهران، انتشارات رشد.
- ۱۲- کاپلان، سادوک. ۱۳۷۲. خلاصه‌ی روان‌پزشکی. جلد چهارم. ترجمه‌ی نصرت‌الله پورافکاری. تبریز، انتشارات ذوقی.
- ۱۳- آزاد، حسین. ۱۳۷۲. آسیب‌شناسی روانی ۱. تهران، انتشارات بعثت.
- ۱۴- رحیمی‌نژاد، عباس. ۱۳۷۹. بررسی تحولی هویت و رابطه‌ی آن با حرمت خود و حالت اضطراب در دانشجویان دوره‌ی کارشناسی. پایان‌نامه‌ی دکترا. دانشگاه تربیت مدرس.

- ۱۵- فیض درگاه، لیلا. ۱۳۷۴. بررسی رشد هویت در دختران نوجوان با تأکید بر هویت شغلی در اواخر نوجوانی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا.
- ۱۶- حسینی، فوزیه. ۱۳۷۴. بررسی ارتباط بین پایگاه‌های هویت و سبک‌های مقابله با بحران در نوجوانان و جوانان مشهد. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا.
- ۱۷- حسینی، منیر. ۱۳۷۵. بررسی هویت با تأکید بر هویت شغلی و ارتباط آن با افسردگی در دانش‌جویان پزشکی و فنی-مهندسی دانشگاه رازی و علوم پزشکی کرمانشاه. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا.
- 18- Aura, G. de Haan. 1988. "The Relation of Individual and Family Factors to the Psychological Well-being of Junior High School Student Living in Urban Poverty". **Adolescence**. Spring 1988.
- 19- Krueger, Jane. 1993. "The Role of Historical Content in the Identity Formation Process of Late Adolescence". **Youth & Society**. June 1993. Vol. 24.
- 20- Markstorm, Adams, Coral and Melanje Smith. 1996. "Identity Formation and Religious Orientation among High School Students, from the United States and Canada". **Journal of Adolescence**. Vol. 19, pp. 247-261.
- 21- Ringer, Mark David. 1995. **The Relationship between Private Religious Behavior, Religious Identity and Self-esteem among Latter-day Saint Adolescents in the Context of Familial and Religious Socialization**. Ph.D. Thesis. Brigham Young University.
- 22- Fulton, Robyn. Ego Identity and Self-esteem in Biracial Young Adults". Pacific Union College.
- 23- Steinberg. 1996. **Adolescence: Change & Continuity**.
- 24- Sutterman, Jack Robert. 1987. **Identity Status, Sex Role, and Gender Identity in Late Adolescent, Males and Females**. Ph.D. Thesis. The University of Michigan.
- 25- Dollinger, Stephen and Stephanie; Clancy, M. 1997. "Individuality and Identity Exploration". **Journal of Research in Personality**. Vol. 31, pp. 337-354.
- 26- Purdie, Nola; Tripcony, Penny; ... 2000. **Positive Self & Shy, Identity for Indigenous Students and its Relationship to School Outcomes**. Queensland University of Technology. July.
- 27- Muus, R. 1996. **Theories of Adolescence**. McGraw Hill, New York. pp. 73-75.
- 28- Steinberg, L. 1996. **Adolescence**. Edition McGraw Hill, New York. pp. 319-321.